

ادبیات به عنوان جزء جدایی ناپذیر فرهنگ یک ملت، به این علت که از دیرباز در خدمت اخلاق متعالی بوده، همواره مورد توجه صاحبان اندیشه و فرهنگ قرار گرفته است. اما در یکی دو قرن اخیر، ارتباط ناگسستگی آن با جامعه، موضوع تحقیقات مشترک جامعه شناسان و محققان ادبیات قرار گرفته است که علت آن نیز تحولات جهانی است که جرقه آن در قرن نوزدهم میلادی در اروپا زده شد و علاوه بر تغییراتی که در جهان بشری به وجود آورد، ادبیات را هم تحت تأثیر قرار داد. این تحولات جهانی در دوران حکومت قاجاریان در ایران نیز اتفاق می افتاد که هنوز حاکمان آن در دنیای ارباب- رعیتی سیر می کردند. به دنبال تحولات جهانی، خواه ناخواه ایران هم تحت تأثیر قرار گرفت. پس از دو شکست ایران از روسی و تزاری، در زمان فتحعلی شاه، به جامع نیم خفته قاجاریان هشدار داده شد که لزوم تجدید جوابی به مسائل لاینحل این کشور عقب مانده آسیایی بود. (ر.ک، سپانلو، ۱۳۶۹: ۲۱) در این زمان بود که اروپاییان و به خصوص انگلیس توجه خود را به ایران معطوف داشت و دروازه های ایران به سوی این سیاستمداران و سیاحان اروپایی گشوده شد. نتیجه این حضور، گذشته از استعمار، بسط فرهنگ تجدید و آشنایی روشنفکران با ارزش ها و اندیشه های نو بود. برای نخستین بار، محصلان ایرانی برای تحصیل به لندن اعزام شدند. نگارش سفرنامه ها به وسیله سیاحان اروپایی و ترجمه آنها و آثار دیگر اروپایی به زبان فارسی، به ادبی این تجدید و فرهنگ جدید بود. به دنبال ترجمه اولین آثار ادبی غرب، رمان نیز به انواع ادبیات فارسی راه یافت. «اسکندر نامه»، «حسین کرد»، «شمس و طغرا» و بالاخره «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» از اولین نمونه های رمان فارسی است. این رمان ها یا محصول اندیشه روشنفکران ایرانی و تاجران مهاجر بود؛ یا تبعیدی های سیاسی که فرصتی برای بیان عقاید خود پیدا کرده بودند. (ر.ک، شکر، ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۵۰)

«میرزا حبیب اصفهانی» یکی از آن تبعیدی های سیاسی بود که با ترجمه آزاد از «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» در تغییر باورها و ایجاد فرهنگ جدید بیداری نقش مؤثری داشت. این رمان نوشته سیاستمدار انگلیسی به نام «جیمز موریه» منشی سفارت انگلیس در ایران بود که بعد از اقامت شش ساله خود در ایران و پس از بازگشت به انگلیس در سال (۱۸۲۴م/ ۱۲۰۳ش) رمان «حاجی بابا اصفهانی» را منتشر کرد. با انتشار این رمان توجه بسیاری از محققان و منتقدان داخل و خارج به محتوای آن جلب شد. محتوای این رمان تصویری از جامعه قرن سیزدهم است که از دید یک بیگانه و با جنبه انتقادی قوی به نمایش گذاشته می شود و عیوب مردم ایران را به رشته نقد می کشد. ترجمه این رمان نیز یک نثر موفق ادبی است که با به کار گیری اصطلاحات و الفاظ مردم با نگرش به ارزش های ادبی کهن، اسلوب جدیدی را پی ریزی کرد که نه تنها رمان حاجی بابا را به یکی از شاهکارهای نثر فارسی تبدیل کرد، بلکه آن را سرمشق نویسندگان بزرگ ایرانی هم چون جمال زاده قرار داد. این رمان را از چند جهت می توان محور رمان فارسی دانست؛ چرا که از یک سو بازنه دهنده مسائل و تحولات اجتماعی عصر قاجار است و از سوی دیگر در کنار رمان های اولیه این دوره در پدید آمدن نوع جدیدی از انواع ادبیات یعنی رمان در زبان فارسی، نقش مؤثری داشته است. از سوی دیگر ترجمه این اثر با به کارگیری اصطلاحات و لغات عامیانه و نیز طنز فاخر آن که در اختیار اجتماع قرار دارد، راه گشای سبک جدید فارسی یعنی ساده نویسی بود.

بررسی این رمان با تأکید بر این که در ردیف اولین رمان های فارسی قرار دارد و ارتباط آن با جامعه، موضوعی است که در فصل نخست این پژوهش به آن اشاره می شود. از آنجا که محتوای این رمان انتقادی

است به جامعه ایران، برخی دیدگاه‌هایی که با انتشار این رمان در ایران و جهان ارائه شد، در فصل دوم مطرح می‌شود. تحلیل محتوایی این اثر به این دلیل که بازتاب دهندۀ نمودهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی عصر قاجار است و ارتباط آن با نمونه‌های واقعی جامعه عصر قاجار، در فصل سوم این طرح تحلیل می‌شود. بررسی ساختاری اثر با تحلیل عناصر داستان آن، چارچوب روایی و نیز سبک شناسی ترجمۀ این اثر در فصل چهارم بررسی می‌شود. هم‌چنین با توجه به این که ترجمۀ میرزا حبیب ارزشی هم‌تراز خود اثر و بلکه بیشتر از آن دارد، ساختار طنز رمان نیز، بررسی شده و فصل پنجم با عنوان ساختار طنز رمان ارائه می‌گردد.

۱-۲ اهداف اصلی طرح

- ۱- بررسی و تحلیل محتوای این اثر با توجه به این که بازتاب وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آداب و رسوم جامعه ایران در دوران قاجار است.
- ۲- بررسی ساختار داستان از جمله، شیوه شخصیت‌پردازی، چارچوب روایی و عناصر داستان.
- ۳- بررسی زبان طنز آمیز کتاب حاجی بابای اصفهانی و شیوه به‌کارگیری طنز در این اثر برای انتقاد از کاستی‌های اجتماعی.

۱-۳ ارائه فرضیات

- ۱- در کتاب حاجی بابای اصفهانی سیمای دوران حکومت قاجاریان از جمله طبقات مختلف اجتماعی قرن سیزده به نمایش درآمده است.
- ۲- در کتاب حاجی بابا ایران استبداد زده در جهان غرب که رو به پیشرفت و تکامل است مشهودتر است.
- ۳- طنز یکی از درون‌مایه‌های اصلی کتاب حاجی بابای اصفهانی برای ساختار انتقادی نویسنده بوده است.
- ۴- هرچند کتاب حاجی بابا یک داستان سفرنامه‌ای است اما به خوبی در آن به عناصر داستان توجه شده است.

۱-۴ پیشینه تحقیق و بررسی منابع

قابلیت‌های گوناگون رمان حاجی بابا باعث شده تحقیقات گوناگونی در رشته‌های مختلف و نیز در ادبیات انگلیس روی آن صورت بگیرد. «ایرج افشار»، «مجتبی مینوی» و «جمال زاده» از جمله اولین کسانی هستند که در زمینه رمان حاجی بابا به تحقیق پرداخته و مقالاتی تدوین کرده‌اند. آنچه در این تحقیقات به آن‌ها اشاره شده است، بیشتر پرداختن به جنس استعماری و محتوایی اثر است. مقاله‌ای هم با عنوان «نگاهی به حاجی بابای اصفهانی» به بررسی برخی ویژگی‌های داستانی به صورت محدود با توجه به ترجمۀ میرزا حبیب پرداخته است. با وجود این، این اثر ارزشمند به خاطر محتوای انتقادی آن، چنان که شایسته است مورد تحلیل قرار نگرفته است. هم‌چنین توجه به ساختار و ویژگی‌های این اثر، از جمله بررسی ویژگی‌های جامعه قرن سیزدهم ایران در این رمان و نیز ترجمۀ میرزا حبیب اصفهانی از جمله طنز و ویژگی‌های نثر آن تا کنون در پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. در این پژوهش تلاش بر این است که محتوای این اثر و ویژگی‌های ساختاری و برخی جنبه‌های ادبی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

فصل اول

کلیات

"ادبیات تمرین آزادی است."

"سارتر"

۱ - ۱ ادبیات

واژه ادبیات (Literature) در «قرن چهاردهم» در زبان انگلیسی به مجموعه آثار یک قوم یا ملت اطلاق می شد. در این مفهوم ادبیات به عنوان یک نمود فرهنگی، رابطه ای انکار ناپذیر و منسجم با نظام فرهنگی پیدا می کند و بنابراین می توان آن را مجموعه ای از ذخایر و موارث ذوقی و فکری اقوام و امم عالم تعریف کرد که از گذشتگان به جای مانده است و آیندگان نیز همواره بر آن چیزی می افزایند. به همین دلیل، همواره موجب استفاده و تمتع و التذاذ اقوام و افراد جهان خواهد بود. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۷۴: ۸)

«سیمون دوبوار» در تعریف «ادبیات» می گوید: «ادبیات فعالیتی است که به وسیله انسان ها و برای انسان ه صورت می گیرد تا جهان را بر آن ها آشکار کند و این آشکار کردن خود به منزله عمل است. او می گوید هرکس دارای ذائقه ای خاص برای زندگی است که از لحاظی، هیچ کس دیگر نمی تواند آن را دریابد. امتیاز ادبیات در این است که می تواند از شیوه های دیگر ارتباط فراتر رود و به افراد انسانی امکان می دهد که در آن چه از یکدیگر جدایشان می سازد، ارتباط حاصل کنند.» (نجفی، ۱۳۵۶: ۱۵۰) نقش های مختلف ادبیات در ابعاد گوناگون زندگی مشهود است. توصیف پدیده های جهان، اخلاق، پرورش ذوق و خلاقیت و بازگرداندن انسان به فطرت و وجدان خویش و توجه به ارزش های انسانی از جمله نقش های گوناگون ادبیات در زندگی جمعی انسان هاست. از آن جا که در هر دوره تاریخی ذوق و سلیقه ها دچار تغییر و تحول می شوند و در هر دوره ذوق یک طبقه و گروه یا

ایدئولوژی خاصی مسلط است، در نتیجه تعاریف ادبیات و هنر تحت تأثیر ذوق آن گروه و طبقه و ارزش های هر دوره، متفاوت خواهد بود. هم چنین در تعریف ادبیات، در هر دوره ای آن را باید با آثار بارزش متعالی سنجید و از آن جا که نمی توان ادعا کرد عالی ترین و نهایی ترین شکل ادبیات متعالی خلق شده است، بنابراین دست یابی به یک تعریف نهایی از ادبیات دشوار است. (ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۰: ۱۸۹)

اما در یک نگرش کلی « ادبیات معرفتی است که از منظری رفیع هم هستی را نظاره می کند و رسالت حقیقی آن روشنگری اذهان و تلطیف احساسات بشری و بارور ساختن امیال پاک میان انسان ها و ارج نهادن به آرمان های والای انسانیت است. ادبیات منعکس کننده شکل ویژه ای از زندگانی و فرهنگ هر جامعه است که در آن سیر کمال یابنده ادراکات فرد و اجتماع منعکس می شود. (ر.ک. گریس، ۱۳۶۳: ۱۲-۱۵)

۱-۲ ادبیات و جامعه

بدیهی ترین ارتباطی که میان ادبیات و جامعه وجود دارد و همواره بین محققان و نویسندگان مطرح بوده است، این که ادبیات و جامعه یک رابطه ی دوسویه دارند و از تأثیر متقابل بر یکدیگر برکنار نیستند. جامعه عوامل و مواد لازم را در اختیار ادبیات قرار می دهد و ادبیات هم چون آینه ای ابعاد مختلف جامعه را بازتاب می دهد. در این خصوص ولادیمیر ژانو V. Jdanov می گوید: « ادبیات را باید در ارتباط جدایی ناپذیر آن با زندگی جمعی و بر اساس زمینه های تاریخی و اجتماعی که نویسنده را تحت تأثیر قرار می دهند در نظر گرفت. » (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۷) این ارتباط عمیق تا حدی است که حتی آن پدیده های ادبی هم که از ترسیم واقعیت های تیپیک در دوران خود سرباز می زنند، فرزندان زماغ خویشند. (ر.ک. خراپچنکو، ۱۳۶۴: ۲۱۷)

نظریه پردازان دیگری هم چون لوکاچ (۱۹۷۱- ۱۸۸۵) و لوسین گلدمن (۱۹۱۳-۱۹۷۰) به بیان روابط پیچیده تری از این ارتباط دست یافته اند. از جمله «لوسین گلدمن» که « اثر ادبی را نه مانند بسیاری از جامعه شناسان آینه اجتماع می داند که حقایق در آن آشکارا منعکس می شوند و نه مانند منتقدانی می اندیشد که جهان تخیلی و پر از رمز و راز اثر هنری را فراتر از دسترس نقد، اعم از ادبی و جامعه شناسی می دانند. هدف نهایی گلدمن، یافتن پیوندی است که میان ساختار محیط اجتماعی و گروه ها و تفکرات موجود در آن با ساختار فرم ادبی وجود دارد.» (عسگری، ۱۳۸۷: ۷۳)

بدون شک متون ادبی به شیوه های مختلف، به عنوان بازتاب دهندة اقتصاد، روابط خانوادگی، اقلیم و چشم اندازها، اخلاقیات، نژادها و طبقات اجتماعی، رویدادهای سیاسی، جنگ ها و مذهب جامعه ای، عمل می کنند (ر.ک، کورس، ۱۳۸۳: ۱۴) و هرچند که در این عرصه به صورت گزینشی عمل می کند، اما این فرایند جامعه شناسی ادبیات است که نگاه روشنگرانه ای به آثار اصیل ادبی داشته و مشخص می کند در آینده چه کسی صاحب مرجعیت فرهنگی می شود و چگونه این فرایند به وقوع می پیوندد. (ر.ک. همان: ۲۳)

نویسنده و شاعر تحت تأثیر محیطی که در آن زندگی می کنند، اثر ادبی خود را می آفرینند و هیچ اثر ادبی نیست که نمود اجتماعی نداشته باشد، در دورۀ مشروطیت ادبیات با سیاست و مسائل اجتماعی پیوند خورد و نكوهش استبداد و ستایش آزادی که جزء جدایی ناپذیر جامعۀ این زمان بود، جزء جدایی ناپذیر ادبیات نیز قرار گرفت.

آثار ادبی این دوره پیوندی ناگسستنی با جامعه دارند و این ارتباط عمیق در برخی از آثار ادبی به بهترین شکل به تصویر کشیده شده است. ظلم و استبداد و تحولات اجتماعی و سیاسی در جهان و ایران، روند ادبیات این دوره را تغییر و ادبیات را در خدمت اجتماع قرار داد.

۱-۳ داستان و ادوار نثر معاصر

سابقه ادبیات داستانی به معنای عام آن در ایران به گذشته های دور می رسد و نمونه هایی از قدیمی ترین آثار هم چون شاهنامه ها ، بی ارتباط با قصه و داستان و حکایت نبوده اند . اما سابقه نخستین نمونه های ادبیات داستانی متناسب با اصول داستان نویسی امروزی را، در دوران پیش از مشروطیت می توان سراغ گرفت. آثار کسانی همچون عبدالرحیم طالبوف، آخوند زاده، ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و نیز ت رجمه میرزا حبیب اصفهانی از کتاب «حاجی بابا» نمونه هایی است که می توان به عنوان اولین آثار داستانی در دوران پیش از مشروطیت به آن ها استناد کرد.

در یک تقسیم بندی کلی ادبیات صد سال اخیر ایران را می توان به ۴ دوره تقسیم کرد:

۱ - **دوره اول:** ادبیات حوزه مشروطیت یعنی چند سال قبل از استقرار حکومت مشروطه است . ادبیات

این دوره دارای خصائصی هم چون عشق به آزادی، قانون، ترقی و انتقاد از حکومت و طبقات بهره کش است که به طور کلی یک قومیت خواهی صاف دلانه و فراخ سینه را وجه شاخص خود قرار می دهد. رمان حاجی بابا اصفهانی، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، سفینه طالبوف را می توان از نمونه های ادبی این دوره دانست.

۲ - **دوره دوم:** از سال ۱۳۰۰ش. تا حوالی سال ۱۳۱۵ ش. می باشد که ادبیات در این دوره غیر

سیاسی می شود. ملیت خواهی، اخلاق گرایی و اصلاح طلبی از ویژگی های عمومی ادبیات در این دوره است. در این دوره « افسانه »نیمایوشیخ منتشر شد.

۳ - **دوره سوم:** از سال ۱۳۱۵ش. تا حدود سال ۱۳۴۰ش. را شامل می شود که با بازگشت محصلان ایرانی از خارج همراه بود . تمایلات متجددانه و اندیشه های جدید، محوریت انتقادی برای ادبیات این دوره پدید آورد . هم چنین نویسندگان این دوره به بیان واقعیات اجتماعی پرداختند . «بوف کور» « صادق هدایت» محصول این دوره است.

۴ - **دوره چهارم:** از سال ۱۳۴۰ش. تا سال ۱۳۵۰ش. را در بر می گیرد. این دوره ادامه منطقی ادبیات

دوره قبل و البته با خصوصیات خاص خود همراه است . تئاتر و ادبیات نمایشی، نگارش و نشر ادبیات کودکان و گسترش آثار پژوهشی از جمله ویژگی های ادبیات این دوره است . (ر.ک. سپانلو، ۱۳۶۹: مقدمه)

رویکرد این پژوهش و اثر انتخاب شده، مربوط به دور ه اول ادوار ادبیات معاصر است که با وجه مشخصه ستایش آزادی و رهایی از استبداد پا به عرصه ظهور گذاشت. علاوه بر این، ادبیات این دوره، با تأکید بر رمان حاجی بابا اصفهانی، به ادبیات مردمی توجه بیشتری نشان داد و زبان ساده قابل فهم تری برای خود برگزید. با وجود این، رمان های این دوره هر چند می خواستند از نظر شکل و محتوا سنت شکن باشند، باز هم به شگردهای ادبی قدیم وابسته بودند. بیشتر این آثار، تحت تأثیر سنت قصه گویی ایرانی و ترجمه آثار اروپایی

پدید آمدند. اما کم کم یک گذر فرهنگی را که ارزش های کهن در آن متزلزل شده و باورهای تجدّد خواهانه جایگزین آن شده است، به وجود آوردند. (ر.ک. شکری، ۱۳۸۶: ۳۶) رمان حاجی بابا اصفهانی با ترجمه روشنفکری همچون «میرزا حبیب اصفهانی» تا حد زیادی این گذر فرهنگی را تجربه کرد و به نمایش گذاشت. هرچند به دلیل محتوای اعتراض آمیز و عیب جویانه آن از مردم این دوره، تا حدّ زیادی مورد بی توجهی صاحب نظران و منتقدان ایرانی قرار گرفته است.

۴-۱ رمان

عمر قصه و داستان را به درازنای زندگی بشری گفته اند، اما رمان این گونه ادبی در ایران چندان قدمتی ندارد. در ادبیات اروپا، رمان سه قرن پیش تر از ایران تولّد یافت و خواه ناخواه این تجربه به دیگر کشورها صادر شد. این نوع ادبی از زیر شاخه های داستان است و اگر داستان طولانی باشد به آن رمان می گویند. البته به شرطی که خصوصیات رمان را داشته باشد یعنی دارای تعدّد شخصیت و به نثر نوشته شده باشد. بنابراین می توان گفت رمان شکل تکامل یافته داستان و منعکس کننده حوادث و وقایعی است که هر روز از جلو چشمان ما می گذرد. (ر.ک. آلت، ۱۳۸۶: ۲۵) واژه «رمان» از کلمه ی ایتالیایی Novella به معنی کوچک و نو اقتباس شده است. «هاری شا» در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» رمان را چنین تعریف می کند: «روایت منثور داستانی طولانی که شخصیت ها و حضورشان را در سازمان بندی مرتبی از وقایع و صحنه ها تصویر می کند. اثری داستانی که کمتر از سی تا چهل هزار کلمه داشته باشد، غالباً به عنوان قصه، داستان کوتاه، داستان بلند و ناولت محسوب می شود. اما «رمان» حداکثری برای طول و اندازه واقعی خود ندارد. هر رمان، شرح و نقلی است از زندگی. هر رمان متضمّن کشمکش، شخصیت ها، عمل، صحنه ها، پیرنگ و درونمایه است.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

تعاریف دیگری هم از رمان شده است؛ از جمله «ویلیام هزلیت» Wiliyam Hazlit (منتقد و نویسنده در قرن نوزدهم) رمان را داستانی می داند که بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء تصویری از جامعه را در خود منعکس کند. (ر.ک. همان: ۷۸) «آنتونی برجس»، منتقد و نقاد معاصر انگلیسی، تعریف اجتماعی تری از رمان ارائه می دهد و رمان را قالبی ادبی می داند که تا اعماق دنیای واقعی نفوذ می کند و در آن دگرگونی های فراوانی پدید می آورد. بنابراین کسانی هم که در خطّ ادبیات نیستند، باید آن را جدّی بگیرند. (ر.ک. فرزاد، ۱۳۷۸: ۱۳۲)

ظاهراً قالب تازه رمان در اروپا با «دون کیشوت» اثر «سروانتس» اسپانیایی و در سال ۱۶۰۵ میلادی شروع شد. «این نوع ادبی جدید که ابتدا بر ضد رمانس قرون وسطی واکنش نشان داد و به میدان آمد، در سده هجدهم به گونه ادبی این قرن تبدیل شد، چرا که مسأله فرهنگی عصر، یعنی تضاد بین فرد گرایی و جامعه را به جامع ترین و عمیق ترین وجه بیان می کرد.» (هاورز، ۱۳۷۰: ۹۴۶)

در خصوص منشاء رمان هم نظرات مختلفی هست. برخی منشاء آن را قصه های کوتاه و منثوری دانسته اند که در قرن چهاردهم در ایتالیا رواج داشته و به آن نوول می گفتند و مشهورترین آن ها قصه های «دکامرون» بوکاچیو است. برخی سلف رمان را «روایت پیکارسک» می دانند و برخی دیگر، منبع الهام رمان را، نوع ادبی خاصی می دانند که در انگلستان پدید آمد و به آن the character (شخصیت) می گفتند. در این نوع ادبی، نویسندگان طرح هایی کلی و قلم انداز از اشخاص مختلف و شیوه های کلی زندگی آنان می

نوشتند. (ر.ک. داد، ۱۳۸۳: ۲۴۰) با این حال آنچه در رمان اهمیت دارد و در تعاریف گوناگون رمان هم آمده است، محوریت انسان و جایگاه او در این جهان است و همین امر باعث پیدایش انواع رمان ها شده است.

۱-۵ پیدایش رمان فارسی

رمان به عنوان یک نوع ادبی از زمان مشروطه به ایران وارد شد و این عصر زمانی بود که نویسندگان ایرانی با تعامل با اروپائیان و آشنایی با آثار نویسندگان خارجی به ترجمه آثار آنها و از جمله رمان های خارجی دست زدند. آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن اروپا در زمینه های مختلف ادبیات، سیاست، صنعت و اندیشه های جدید اروپایی، ورود صنعت چاپ به ایران، تاسیس مدارس جدید، جنبه های مثبت این ارتباط بوده که پرورش روشنفکران، فراهم شدن مقدمات تحصیل دانشجویان در خارج از کشور و کاوش های علمی سیاحان خارجی در ایران و سرانجام تولد جنبش مشروطیت را به دنبال داشت. از جمله تاثیرات این تحول به گونه غیر مستقیم و تاثیر گذار در زمینه نشان دادن تحول فکری در آداب و اخلاق ملت، مبارزه علیه ظلم، بیداری مردم و ورود گفتمان مردم به عرصه ادبیات، «رمان فارسی» بود که فارسی زبانان اولین تجربه ه ای خود را با ترجمه سفرنامه ها، داستان ها و شبه داستان های اروپایی آغاز کردند. «دو کتاب «سپاحت نامه ی ابراهیم بیگ» و ترجمه «میرزا حبیب اصفهانی» از رمان «حاجی بابا اصفهانی»، که در آستانه انقلاب مشروطه به چاپ رسید، هم طالبان بسیار یافت و هم بر رویدادهای اجتماعی، بیداری مردم و احیاء ادب تاثیر بسیار گذاشت.» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۷۲) بنابراین ظهور رمان در ایران با رخدادهای اجتماعی رابطه تنگاتنگی داشت که در جای خود به آن اشاره می شود.

در این که نخستین رمان فارسی را چه کسی نوشته است، بین صاحب نظران اختلاف نظر است، گاه از ترجمه آزاد رمان حاجی بابا اصفهانی به دلیل آن که از شگردهای رمان نویسی بهره مند است، به عنوان اولین رمان یاد شده است و گاه دو کتاب «عشق و سلطنت» از شیخ موسی کبودر آهنگی و «انتقام خواهان مزدک» را اولین رمان های فارسی دانسته اند. (ر.ک. براون، ۱۳۶۹، ج ۴: ۴۰۸) برخی دیگر «ستارگان فریب خورده» یا «حکایت یوسف شاه سراج» (۱۲۵۳ش)، نوشته «فتحعلی آخوند زاده» را که «میرزا جعفر قزاقه داغی» از ترکی به فارسی برگردانده، نخستین رمان ایرانی می دانند. (ر.ک. عابدینی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۰) و محقق دیگری رمان «حاجی بابا اصفهانی» را به این دلیل که از خلق و خوی زندگی مردم ایران صحبت کرده و از تکنیک رمان نویسی روز هم بهره مند است، اولین رمان فارسی می داند. (ر.ک. لنگرودی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۱) نویسنده اخیر معتقد است، بعد از رمان حاجی بابا تا گشوده شدن دارالفنون رمانی نداریم و اولین داستان یک نویسنده ایرانی بعد از حاجی بابا، «ستارگان فریب خورده» یا «حکایت یوسف شاه سراج» اثر آخوند زاده است. (ر.ک. همان، ۳۲) ولی با وجود این اختلاف نظرها و اهمیت هر یک از این رمان ها در جای خود، باید رمان سه جلدی «شمس و طغری» را اولین رمان فارسی دانست، چه آن دو رمان دیگر یعنی «ستارگان فریب خورده» و «حکایت یوسف شاه سراج» در اصل به زبان فارسی نوشته نشده بودند، بلکه زمینه آن ها مربوط به ایران بود. (ر.ک. دستغیب، ۱۳۸۶: ۴۵)

محدود او نسبت به پیچیدگی های جهان مشخص می شود . وی «دون کیشوت» و «سرخ و سیاه» اثر «استاندل» را در این دسته قرار می دهد . ب) رمان روانشناختی: که به بررسی زندگی درونی اشخاص می پردازد و با انفعال قهرمان و آگاهی گسترده او مشخص می گردد . ج) رمان آموزشی: که به نوعی خود بازنداری می انجامد این بازنداری را می توان پختگی مردانه هم نامید.(ر.ک، گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۲)

رمان حاجی بابا را می توان جزو دسته اول به حساب آورد که با پویایی قهرمان و ارتباطی که وی با جامعه پیدا می کند، این نمونه طرح وار لوکاج در آن تحقق می یابد . رابطه ناگسستنی قهرمان با جامعه ای که او با آن ارتباط می یابد، وجه مشخصه محتوای این رمان است. شخصیت محوری رمان، در دست یابی به شناخت کامل تری از جامعه خویش در طبقات مختلف اجتماع قرار می گیرد و در این مسیر جامعه و روابط اجتماعی را به خواننده نیز می شناساند . دنیای او جامعه قرن سیزدهم ایران است که هنوز از جامعه سنتی و تاریخی گذشته خود چندان فاصله ای ندارد . ضمن آن که این جامعه در تأثیر گذاری بر قهرمان تأثیر بسزایی دارد و چنین جامعه ای است که تا پایان داستان قهرمان را همراهی می کند، شخصیت او را شکل می دهد و قهرمان در آن رشد و نمو می کند.

فصل دوم رمان حاجی بابا

۱-۲ جیمز موریه

«جیمز ژوستینین موریه» James Justinian Morier ۱۵ اوت سال ۱۷۸۲ م. در ازمیر ترکیه به دنیا آمد. پدرش «آیزاک موریه» (اسحاق) Issac Morier اصلاً سویسی بود که در کمپانی لوان کار می کرد. جیمز ۵ ساله را در سال ۱۷۸۷ م به انگلستان بردند. دوازده سال بعد موریه به استانبول بازگشت تا بشریک پدر خود کار کند. (ر.ک. جانستن، ۱۳۷۴: ۱۴۳)

نیاکان وی در فرانسه، مذهب پروتستان داشتند و به خاطر تعصب همشهریانسان، از فرانسه مجبور به مهاجرت شدند و در آسیای صغیر سکنی گزیدند. ایزاک در از میر با یک دختر به نام ماداموازل دختر قونسول هلند ازدواج می کند و از او صاحب پنج پسر می شود. (ر.ک. مشیری، ۱۳۴۳: ۶۷) جیمز فرزند دوم او هم در همین کشور زاده شد. وی را برای تحصیل به انگلستان فرستادند و بنا بر یک قول از مدرسه هارو Harrow با تخصص علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. هرچند به گفته یکی از هم وطنانش، هرگز محصلی با نام و نشان جیمز موریه در این مدرسه درس نخواند. (ر.ک. ناطق، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲) وی همین که به ترکیه بازگشت مشغول کسب و کار و تجارت شد. «زمانی که سر هارفورد جونز Sir Harford Jounes در سال ۱۸۰۷ م به استانبول رفته بود با ایزاک موریه دیداری داشته و پس از آشنایی با پدر، با جیمز، فرزند او هم که جوانی ۲۷ ساله بوده آشنا می شود، هارفورد جونز این جوان را با خود به انگلیس می برد» (مینوی، ۱۳۸۳: ۲۹۰).

سر هارفورد جونز در انگلیس به رتبهٔ بارونت از سوی دولت انگلیس دست یافت و چون به ایران رفت و آمد داشت و با خاندان کریم خان زند آشنا بود و تأسیس سلسلهٔ قاجاریان را هم دیده بود؛ او را به عنوان وزیر مختار انگلیس به ایران می فرستند . سر هارفورد جونز، جیمز موریه را به عنوان منشی خود انتخاب کرد و به این ترتیب ماموریت سیاسی جیمز موریه در ایران آغاز می شود . سفر اول موریه در ژانویهٔ ۱۸۰۹م. به ایران آغاز می شود و وی تا ماه مه همان سال در ایران می ماند . در این زمان هیات هایی از فرانسه نیز برای ارتباط با ایران به کشورمان آمده بودند، اما فتحعلی شاه که آشنایی چندانی با کشورهای جهان و سیاست روز نداشته همواره در تردید بوده که با کدام کشورها متفق شود . ماموریت سر هارفورد جونز انجام مذاکره با ایران برای ارتباط با انگلیس بوده است، بنابراین با امضای معاهده با انگلیس، شش ماه بعد قرار شد، سفیری از ایران به انگلستان برود . این سفیر «میرزا ابوالحسن خان ایلچی» بود که به همراه جیمز موریه در سال ۱۸۰۹م (۱۲۲۳ق) از تهران- تبریز- ارزروم- توقات- قسطنطنیه و از میر با کشتی به سمت انگلیس راه افتادند . جیمز موریه در این سفر با یک هیأت هفت نفری ایرانی که همراهان میرزا ابوالحسن خان ایلچی بودند همراه بود و بدین ترتیب از نزدیک با آداب و رفتار ایرانیان آشنا شد. این هیأت عبارت بود از : میرزا ابوالحسن خان شیرازی : ایلچی، کربلایی حسن : ناظر و آشپز، عباس بک : منشی، محمد رحیم بک: جلو دار، حسین و هاشم: پیش خدمت، عبدالله و صادق: فرآش. (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶) این هیأت در رمان «حاجی بلبا در لندن» به این ترتیب آمده است : میرزا فیروز: ایلچی، حاجی بابا: منشی سفارت، محمد بیک : رئیس تشریفات، اسماعیل بیک : ناظر، آغا بیک : مهتر باشی، هاشم : پیش خدمت، عباس بیک و حسین بیک : جلودار، تقی : فراش، صادق : شاطر، فریدون : دلاک، حسن : طباح، محبوب سیاه: خزانه دار، سفید سیاه : پرده دار. (موریه، ۱۳۲۱: ۲۴-۲۵)

هم زمان با بازگشت موریه به لندن، ماموریت سر هارفورد جونز هم به اتمام می رسد و سرگور اوزلی Sir Gore Ouseley به سمت او نائل می شود. سفر دوم موریه همراه با هیأت اعزامی سرگور اوزلی بوده و این هیات در اواخر سال ۱۸۱۰ میلادی از مسیر خلیج فارس، شیراز و اصفهان گذشته و در سال ۱۸۱۱م. به ایران رسیده و وارد طهران می شود و وی تا سپتامبر ۱۸۱۶ در ایران می ماند. (رک، موریه، ۱۳۸۶: ۱۴) لیدی اوزلی Lidi Ouseley همسر سرگور اوزلی و دختر خردسالش، سر ویلیام اوزلی Sir Wiliyam Ouseley برادر بزرگ سفیر، که فارسی را بسیار خوب می دانست و مستشرق بود، رابرت گوردون Rabert Gordoun که متخصص جمع آوری اطلاعات جاسوسی بود، جیمز موریه دبیر کل هیات سیاسی و عده ای دیگر، همراهان این هیات در سال ۱۸۱۱ بودند. (ر.ک. پناهی سمناهی، ۱۳۷۴: ۱۹۰). کار این گروه سیاست پیشه در سفر دوم، بستن پیمانی تازه با حکومتگران ایرانی در راه بی بنیاد ساختن همبستگی فرانسه- روس بوده است. (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰)

سفر دوم موریه در ایران با حرکت از مسیر بوشهر- شیراز- اصفهان- تهران، آغاز می شود . هیات سرگور اوزلی از وزارت امور خارجهٔ بریتانیا دستور داشتند که در مسیر حرکت خود به سوی تهران دربارهٔ سرزمین های محل عبور خود اطلاعاتی کسب کنند . بدین ترتیب زمانی که سرگور اوزلی به انتظار زایمان همسر خود در شیراز معطل می ماند برادرش را که خاور شناسی متبحر بود با عده ای دیگر از افراد زیر دستش از شیراز بیرون می فرستد تا دربارهٔ گذشتهٔ ایران و نیز در خصوص اوضاع جاری ایران تا آن حد که

می توانند اطلاعاتی کسب کنند . یکی از افراد این گروه یعنی سرگرد استون ، غار بزرگ شاپور را کشف کرد.(ر.ک. رایت، ۱۳۵۹: ۱۷۶)

هم چنین جیمز موریه محلی را که در بین اهالی به نام مقبره « مادر سلیمان » معروف بوده است با نگاه به کاوش های قبلی خاورشناسان، مورد بررسی قرار می دهد و طرحی از آن ترسیم می کند . وی حدس می زند که مکان مورد نظر همان آرامگاه کوروش است اما زمانی که جیمز موریه به همراه ویلیام اوزلی دوباره به محل آرامگاه باز می گردد در نتیجه گیری ها و حدسیات پیشین خود که اوزلی هم قبول داشت تجدید نظر نکرد، «هفت سال بعد انگلیسی دیگری به نام «سر رابرت کرپورتر» Sir Rabert Cerportere دریافت که آن بنا همان مقبره کوروش است.»(ر.ک.همان: ۱۷۷). موریه دلیل خود را این گونه نقل می کند که «این آرامگاه با کلیه آرامگاه های دوره اسلامی که تاکنون در ایران و آسیای کوچک و ترکیه دیده ام سخت فرق دارد . اگر این جا با پاسارگاد همسازی داشت، چونان که شکل بنا با وصف آرامگاه آن مرد نامی است. می پذیرفتم که این بنا آرامگاه آن مرد نامی است.» (موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۸۹)

موریه هم چنین، نخستین کسی است که در تخت جمشید به کاوش پرداخته و پیکره هایی را از زیر خاک بیرون آورده است. وی در سفرنامه خود به بررسی این حجاری ها در تخت جمشید اشاره می کند: «به راستی آن حجاری ها را شایسته ی باریک ترین بررسی ها دیدم زیرا هیچ یک از جها نگردان پیشین با کنجکاوی کافی آن ها را توصیف نکرده اند . این ها در فرو رفتگی کوه که از تخته سنگ های برجسته و تماشایی است قرار دارند.» (موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۶)

موریه در سفر نخست، هنگام عید میلاد مسیح برای یافتن شهر بیشاپور از کارزون راه می افتد . پیش از او، هیچ جهانگرد دیگری از بیشاپور سخن نگفته بود . (ر.ک. گابریل، ۱۳۴۸: ۲۲۲) همچنین «نقش رجب» در همسایگی تخت جمشید را نخستین بار موریه به همگان شناساند و همزمان با او اوزلی چنین کرد؛ اما چندی پس از آن «فلاندن» و «گست» خودشان را کاشف نقش رجب خواندند . (همان: ۳۰۹) موریه در سفر دوم و در سال های ۱۸۰۹-۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ چندین بار به دیدن خرابه های ری رفته و بازمانده های برج و بارویی را با یک ستون به خط کوفی پیدا کرد . وی در شهر همدان به پژوهش در ویرانه های هگمتانه پرداخته و نخستین بار کاخی بزرگ و ساختمانی ستونی دار را که مانند تخت جمشید است یافته و حدس باستان شناسان گذشته را مبنی بر این که همدان همان هگمتانه است صحیح گذاشت . (ر.ک.همان: ۲۲۳) نیز (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۰۶)

این کنجکاوی های موریه از برخی جهات با قهرمان کتاب شباهت دارد. وی هم چنین در زندگی عادی خود نیز، ماجرا دوست، اهل مسافرت ، خوش رو و خوش اخلاق بوده و از یک گیلان مشروب هم چندان بدش نمی آمد. (ر.ک. ناطق ۱۳۸۹: ۱۱۴) جیمز موریه هم چنین در کار نقاشی مهارت داشته و نقاشی های رمان و سفرنامه های او گویای این مطلب است . آن چه که از سفرنامه موریه بر می آید ، این که وی در مذهب خود بسیار متعصب است و ردپای این عقیده او در همه جای سفرنامه اش مشاهده می شود . نظام فکری موریه در ضدیت با دین اسلام بوده و اعتقاد داشته برای این که ایرانیان ، به تمدن رهنمون شوند باید شالوده اسلام کنار گذاشته شود و توسط عوامل ضد اسلامی اروپا مورد حمله قرار بگیرد تا ظلمت دین ایرانیان از بین برود و نیز ایران تحت الحماض انگلیس قرار بگیرد. (ر.ک. جوادی، ۱۳۸۴: ۲۸۸) وی همچنین در دو جلد سفرنامه اش دو عقیده متفاوت نسبت به ایرانیان دارد، در جلد اول از مهمان نوازی و رفتار

دوستای ایرانیان سخن می گوید (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۹-۲۲۰) اما در جلد دوم که مدت بیشتری در ایران مانده بود این عقیده وی تغییر یافته و با خوشحالی ایران را ترک می کند. چرا که همه مردم به جز معدودی دروغگو هستند و آن ها چیزی برای جلب دل ها ندارند. (ر.ک. موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۹۰)

سفر دوم موریه در ایران تا سپتامبر ۱۸۱۶م. طول کشید و بعد از ترک ایران دیگر به ایران برنگشت. بنابراین مدت اقامت او در ایران حدود شش سال بود. «موریه در مدت اقامت خود در ایران اخلاق و عادات ایرانیان را به خوبی آموخت و مخصوصاً در سفر دوم خود با سرگور اوزلی و با ایلچی ایران و هفت تن ایرانی از طبقات مختلف ناظر و آشپز و فراش و جلودار همراه بود، با صحبت ها و شوخی ها و مجادلات این گروه و با قصه ها و سرگذشت ها و خاطرات آن ها از نزدیک آشنا شد و در این مسافرت ها فرصتی یافت که مطالب زیادی برای سفرنامه و داستان های خود فراهم آورد. (ر.ک. آراین پور، ۱۳۵۳: ۳۹۷) او بین سال های ۱۸۲۴ و ۱۸۲۶م. از طرف دولت انگلستان به ماموریتی در مکزیک رفت و بعد از آن از کار دولت کناره گیری کرد. (ر.ک. مشیری، ۱۳۴۳: ۶۹) وی در ۱۹ مارس ۱۸۴۹ در بریتانیا درگذشت. اما پس از درگذشت او اعضای خانواده وی در خدمت انگلیس باقی ماندند.

۲-۱-۲ ماموریت سیاسی جیمز موریه در ایران

موریه که جزو اولین کسانی بود که به همراه هیات های انگلیسی به ایران اعزام می شد، بایستی تمام تلاش خود را برای خوشایند نشان دادن ارتباط با انگلیس به کار می گرفت. آن چه که وی در سفرنامه خود به آن اشاره می کند نیز، همین تلاش برای جلب اعتماد سیاستمداران ایرانی است. آغاز مذاکرات سیاسی با ایران و امضای این معاهده ها از جمله ماموریت های سیاسی جیمز موریه در ایران بوده که انعقاد عهدنامه «مجمل» بین ایران و انگلیس در زمان ماموریت «سر هارفورد جونز» در تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۲۴ ق (۱۸۰۹م.) را با امضای «میرزا شفیق معتمد الدوله» و «حاج محمد خان امین الدوله» در پی داشته است. (ر.ک. ورهرام، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

موریه در سفرنامه خود به این عهدنامه اشاره می کند:

«در دوازدهم مارس قرارداد مقدماتی میان سر هارفورد جونز و نمایندگان تام الاختیار ایران به امضا رسید و در هفتم ماه مه همراه با میرزا ابوالحسن نمایندۀ ویژه پادشاه ایران در دربار لندن، تهران را ترک گفتم.» (موریه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۶)

به موجب این قرارداد ایران بایستی کلیۀ قراردادهای خود را که با سایر دولت های اروپایی بسته بود و به آن ها اجازه عبور سپاه را از خاک هندوستان داده بود، لغو کند. در مقابل دولت انگلستان متعهد شد که همیشه با ایران متحد باشد و در صورت حملۀ یکی از کشورهای اروپایی به ایران اسلحه و مهمات لازم بدهد و مادامی که با دولت فرانسه در حال جنگ است، سالانه مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به خزانه دولت ایران پرداخت کند. (ر.ک. هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۱۸) اما «حوالۀ سالی ۱۲۰ هزار تومان با مشکل روبرو شد. اختلاف بین کمپانی هند شرقی که از سر جان ملکم حمایت می کرد و وزارت خارجه انگلستان که جونز را به ایران فرستاده بود، باعث شد که حواله های جونز نکول شود. هارفورد جونز برای رهایی از وضع دشواری که برایش پیش آمده، یکی از منشیان خود «جیمز موریه» را به لندن اعزام کرد.» جیمز موریه به همراه

میرزا ابوالحسن خان ایلچی و با هدف آگاهی از سرانجام تعهدات انگلیس ، راهی لندن شد .(ر.ک. همان: ۱۸۷)

نتیجۀ اولین بازگشت جیمز موریه به انگلستان و گزارشی که او از ایران به سیاستمداران انگلیسی داد، مقدمه ای بود برای این که انگلیس برای استحکام موقعیت خود در ایران و حفظ مرزهای هندوستان، طرح تضعیف و تجزیۀ ایران را اجرا کند .(ر.ک. خاتمی، بی تا: ۹۲) در سال ۱۸۱۴ م. که سرگور اوزلی ایران را ترک کرد، جیمز موریه به عنوان کاردار موقت در ایران ماند تا این که در سال ۱۸۱۵ م هنری ویلاک Henry Willock جانشین او شد. (ر.ک. جانستن، ۱۳۷۴ : ۱۴۴) ماموریت دیگر موریه در ایران این بود که تا حد امکان با آداب و اخلاق و عادات ایرانیان و درباریان آشنا شده و محبت و اعتماد درباریان را به خود جلب کند و طرز رفتار اطرافیان شاه را به دقت مورد مطالعه قرار دهد . (ر.ک. ناطق، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

از سوی دیگر بهترین مهره ای که می توانست همراه موریه و برای اطاعت کورکورانه از اوامر او تلاش کند، کسی جز « میرزا ابوالحسن خان ایلچی » نبود. جیمز موریه که ابتدا مهماندار میرزا ابوالحسن خان ایلچی بود، وی را طی اقامت در انگلستان وارد نظام فراماسونری کرد . بدین ترتیب ایلچی پس از بازگشت به ایران در مدت ۳۵ سال سمت وزیر امور خارجه، بیشترین خدمت را به امپراطوری بریتانیا کرد و این امر تا امضای دو قرارداد «گلستان» و «ترکمانچای» ادامه داشت .(ر.ک.خاتمی، بی تا : ۹۲) موریه که در امضای پیمان نامۀ گلستان دست داشته است در سفرنامۀ خود می گوید: « آقای ویلاک نامۀ تاییدئ شاهزاده نایب سلطنت انگلیس را درباره پیمان نامۀ قطعی صلح که آقای الیس، من و نمایندگان ویژه ایران امضا کرده بودیم همراه یک نامۀ دیگر از سوی نامبرده برای شاه ایران و نیز نامۀ فراخوانی مرا با خود آورده بود.» (موریه، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۳۳)

۲-۲-۲ آثار جیمز موریه

۱ - معروف ترین اثر جیمز موریه که به واسطۀ آن شهرت جهانی یافت ، همان «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» است. بعد از آن آثار دیگری هم دارد که هرگز به پای این اثرش نرسید . سرگذشت حاجی بابا اصفهانی (منتشر شده در سال ۱۸۲۴) دو بار تجدید چاپ شد، اما در چاپ اول اسم جیمز موریه در آن برده نشد و در چاپ دوم هم مقدمه ای موسوم به زائر ایران ، چاپ شد که هنوز هم در چاپ های جدید ، این مقدمه جعلی به قلم جیمز موریه ، مبنی بر این که این اثر از یک ایرانی است و تنها جیمز موریه امانتدار آن است، نقل می شود. این کتاب تا کنون به چندین زبان ترجمه شده است و از جمله ترجمۀ فرانسوی آن است که میرزا حبیب هم آن را از متن فرانسوی به فارسی ترجمه کرد. ظاهراً در آمریکا هم بر این اساس فیلمی ساخته اند.(ر.ک جانستن، ۱۳۷۴: ۱۴۴)

۲ - حاجی بابا در لندن : این اثر ۴ سال بعد از سرگذشت حاجی بابا منتشر شد که در پایان سرگذشت حاجی بابا به خوانندگان وعده داده شده بود که به زودی حاجی بابا به لندن می رود و به خوانندگان می گویم که حاجی بابا در لندن چه سرنوشتی می یابد .(ر.ک. موریه، ۱۳۷۹: ۳۶۷) وجه مشترک حاجی بابا در لندن با رمان حاجی بابا اصفهانی شخصیت میرزا فیروز است که به عنوان وزیر

خارجۀ ایران به لندن اعزام می شود. (رک، راین، ۱۳۵۷ : ۱۲۰) و این شخص همان میرزا ابوالحسن خان ایلیچی وزیر خارجۀ ایران در زمان فتحعلی شاه است که خود او نیز سفرنامه ای به نام «حیرت نامه» دارد و بسیاری از مطالب حاجی بابا در لندن با این سفرنامه مطابقت می کند . «این اثر موریه بسیار بچگانه و خالی از ارزش ذوقی و ادبی است.» (مینوی، ۱۳۸۳: ۳۰۹) هم چنین در آغاز این کتاب باز یک نامۀ جعلی آورده شده که میرزا ابوالحسن ایلیچی در اعتراض به او یک نامه نوشته و موریه به آن پاسخ داده است . در خصوص جعلی بودن این نامه مقالۀ مفصلی با اسناد و مدارکی توسط «هنری ب. مکنزی جانستن» Henry B. Mckenzie Johnston در پژوهش های ایران شناسی نوشته است و «کریم امامی» آن را ترجمه و در «نامۀ فرهنگستان» به چاپ رسانده است. (رک. جانستن، ۱۳۷۴: ۱۴۳-۱۵۵)

۳ - دو جلد سفرنامۀ جیمز موریه در مسافرت او به ایران که در سال های ۱۸۱۲ و ۱۸۱۸ م. به چاپ رساند و نسخه ای از آن در همان زمان به ایران رسید و بعضی از فصول آن برای فتحعلی شاه ترجمه شد و شاه را به قدری غضبناک کرد که محال بود دیگر با حضور جیمز موریه در سفارت ایران ، موافقت کند. (رک. مینوی، ۱۳۸۳: ۲۹۴) جلد دوم سفرنامۀ موریه جالب تر و کامل تر از جلد اول آن است.

۴ - **Zohrab the Hostage** این اثر را مرحوم حسن ناصر به فارسی ترجمه کرد و ترجمه هم مانند اصل بی قدر و ارزش است. (مینوی، ۱۳۸۳: ۳۰۹)

۲-۳ شرح حال میرزا حبیب اصفهانی

پس از آفرینش «حاجی بابا» به وسیلهٔ جیمز موریه در خصوص به تصویر کشیدن زندگی ایرانی در عصر قاجار، «میرزا حبیب اصفهانی» دراستانبول این کتاب را ترجمه می کند و با ترجمهٔ خود ارزش این اثر را دو چندان می نماید. میرزا حبیب که اصلاً از قریه «بن» از توابع «چهار محال و بختیاری» بود تحصیلات ابتدائی خود را در این شهر به پایان رساند. وی سپس به بغداد رفته و در آن جا چهار سال ادبیات و الهیات خواند. (کامشاد، ۱۳۸۴: ۴۸).

میرزا حبیب از روشنفکران «قرن سیزدهم» و اوایل «قرن چهاردهم» بود. «وی از مدافعان سرسخت دموکراسی و لیبرالیسم بود و با نظام استبدادی حاکم بر ایران به شدت مخالفت می کرد و به دستگاه روحانیت وقت هم ارادتی نداشت.» (همان: ۴۹) هر چند زمانی که سید جمال الدین اسد آبادی در ترکیه به سر می برد از محضر او بهره می برد. «حاجی پیر زاده نائینی» از جمله کسانی است که در ترکیه او را دیده و در سفرنامهٔ خود ضمن اشاره مختصر به شرح احوال او به این بی اعتقادی او اشاره می کند و می گوید: «میرزا حبیب از اهل اصفهان است، در مدت ۲۰ سال قبل در زمان ریاست میرزا محمد خان سپهسالار، چند نفر را به بد نامی دهری بودن از طهران نفی نمودند، از آن جمله میرزا ح بیب نیز از آن بد نامی از طهران فرار نموده، کم کم خود را به اسلامبول رسانیده، در زمان سفارت مرحوم مشیر الدوله، حاجی میرزا حسین خان مرحوم به اسلامبول وارد شده، جناب مشیر الدوله نسبت به میرزا حبیب، اظهار مهربانی و التفات نمی فرمودند.» (پیرزاده، ۱۳۴۳، ج ۲: ۹۶) بنا به قول دیگر، وی به جرم هجویه ای که برای سپهسالار محمد خان، صدر اعظم سروده بود از تهران تبعید شد. (ر.ک، آرین پور، ۱۳۵۱، ج ۳: ۳۹۵) «حاجی پیرزاده» در جای دیگر سفرنامه اش می گوید: «چون میرزا حبیب در جوانی با مردمان لامذهب و بی دین و بی پروا از آئین راه رفته، طبع او هنوز میل به آن عوالم های لهو و لعب و شوخی و مزاح دارد و با وجود این همه کمالات و معارف که با اوست، خیلی میل به الفاظ هرزه و لغویات دارد. حیف که حالت و خیال او در علم و کمال کج و معوج رفته است و از طبیعت و جا ابدأ تجاوز ننموده است و به خدمت شخص کامل روحانی نرسیده است.» (پیرزاده، ۱۳۴۳، ج ۲: ۹۸) او بعد از آن که به ترکیه رفت تا آخر عمر در آن جا ماند و با وجود دوری از وطن، تعصب و غیرت ایرانی اش را حفظ کرد. (ر.ک. همان، ج ۲: ۹۸)

میرزا حبیب چون در عربی و فارسی مهارت داشت و زبان ترکی و عربی را هم می دانست و در همان ترکیه هم زبان فرانسه را آموخت، در آنجا از طریق معلمی و استادی زبان فارسی گذران زندگی می کرد و همچنین مدتی از اعضای انجمن معارف آنجا بود که به خاطر افترای دشمن از آن خدمت معزول گردید و بعد از یکسال و نیم باز مورد التفات سلطانی گردیده، به سر خدمت خود رجوع کرد. (آرین پور، ۱۳۵۱: ۳۹۵) میرزا در آن جا ازدواج کرد و صاحب یک پسر به اسم کمال افندی شد که علوم نظامی و سایر علوم می خوانده است و در زمان دیدار با حاجی پیرزاده ۱۷ ساله بوده است. میرزا حبیب، بعد از طلاق مادر کمال، دوباره ازدواج می کند و از زن دوم که از طایفهٔ چرکس بوده صاحب دو پسر به نام های جمال و جلال می شود.

میرزا حبیب، در اسلامبول از وزارت معارف ماهی ۴۰ تومان حقوق می گرفته و ۶ لیره هم از طریق تدریس درآمد کسب می کرده است. وی در آن جا نیز شهرتی به هم رساند به طوری که اکثر اهل فضل و

پاشاها او را می شناخته اند و محترم می داشته اند. (ر.ک. پیرزاده، ۱۳۴۳، ج ۲: ۹۶) میرزا حبیب در ترکیه به جمع آوری الفاظ و اصطلاحات مخصوصی که در ایران و در زبان عوام متداول بوده و کسی آن ها را گردآوری نکرده، اقدام کرده است. (ر.ک. همان: ۹۷) بر اساس شواهد و مدارک، میرزا حبیب را می توان اولین نمایشنامه نویس ایران به شمار آورد. در واقع اولین ترجمه نمایشنامه در ایران که از یک زبان بیگانه صورت گرفته است، میزانتروپ اثر «مولیر» است که میرزا حبیب اصفهانی آن را در سال ۱۲۸۶ ه. ق، ترجمه کرد. (ملک پور، ۱۳۶۳: ۳۱۷). میرزا حبیب در این اثر خود نیز به ترجمه آزاد دست زده به طوری که «ادوارد براون» معقد است: «اخلاق و حالات اشخاص در این نمایش تغییر یافته و صورت ایرانی به خود گرفته است. و مکالمات تمام منظوم و خیلی به اصل نزدیک است. گاه گاه اصطلاحات و امثال فارسی هم دیده می شود که به جای امثال فرانسوی گذاشته شده است.» (براون، ۱۳۶۹: ۴۰۳) میرزا حبیب هم چنین با روزنامه اختر همکاری داشته و از نخستین فارسی زبانانی است که مقاله ای مفصل در تعریف و توضیح بازی تماشا و تماشاخانه در این روزنامه به چاپ رسانده است. (ر.ک. خاتمی، ۱۵۲)

حیات سیاسی میرزا حبیب در ترکیه هم ادامه یافت و وی با شیخ احمد روحی از سیاسیون عصر مشروطه و یاران او معاشرت داشت. هم چنین زمانی که سید جمال الدین اسدآبادی به دعوت سلطان عبدالحمید به استانبول رفت. «میرزا حبیب به همراه آقا خان کرمانی، شیخ احمد روحی کرمانی، حاج میرزا حسن خان خبیر الملک کرمانی، با او متحد شدند و بالاخره کوشش های سید و یاران او در ایران به صورت شورش مردم بر ضد انحصار توتون و تنباکو در سال ۱۲۶۹ ه. ش (۱۸۹۰ م) و کشته شدن ناصر الدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی در سال ۱۲۷۴ ه. ش (۱۸۹۵ م) و پیدایش نهضت آزادی خواهی و مشروطیت منجر شد.» (محمد خان، ۱۳۸۳: ۲۲). همین روشنفکران و برخورد انتقادی او با دستگاه دینی و دیوانی قاجار بود که تا حد زیادی او را به ترجمه اثر جیمز موریه واداشت؛ اما این ترجمه در به تصویر کشیدن زندگی ایرانی و به خاطر اغراض سیاسی و مذهبی مترجم فارسی، آن چنان را آن چنان تر کرده است. (ر.ک. کامشاد، ۱۳۸۴: ۴۹).

میرزا حبیب در شعر فارسی نیز، دستی داشت و تخلص «دستان» را برای خود برگزیده بود. توشه ادبی میرزا حبیب به همین ترجمه ختم نمی شود. وی دارای آثار متعددی در ادبیات فارسی است، با تأکید بر این که اولین دستور فارسی به صورت مستقل، موسوم به «دستور سخن» را وی در سال ۱۸۶۹ م در استانبول نوشته است. میرزا مدت کمی هم در بروسه می زیست و در سال ۱۳۱۱ ه. ق در همین شهر و بر اثر بیماری انفولانزا درگذشت و خبر مرگ او را یک هفته بعد روزنامه اختر اعلام کرد. (ر.ک. اصفهانی، ۱۳۶۹: ۹)

۲-۳-۱ آثار میرزا حبیب اصفهانی

هرچند شهرت میرزا حبیب، بیشتر به شاعری بود و تخلص دستان را برای خود برگزیده بود؛ اما در مدت اقامت در استانبول توانست چندین کتاب دیگر هم تالیف کند، به این شرح:

۱. ۱۲۸۹ ق: دستور سخن، چاپ استانبول، ۱۷۸ صفحه

۲. ۱۳۰۲ ق: دیوان اطعمه مولانا بواسحق حلاج شیرازی، چاپ قسطنطنیه، ۱۸۴ = ۱۸۵ صفحه با شرح

لغات در پایان کتاب

۳. ۱۳۰۳ ق: دیوان البسغ مولانا نظام الدین محمود قاری یزدی، چاپ قسطنطنیه، ۲۰۶ ص
 ۴. ۱۳۰۳ ق: منتخب کلیات عبید زاکانی، چاپ قسطنطنیه، ۲۰۶ ص
 ۵. ۱۳۰۳ ق: غرایب عواید ملل، استانبول، ۱۶۰ ص: این کتاب ظاهراً به منظور آشنا ساختن ایرانیان با اصول تمدن جدید بوده است.
 ۶. ۱۳۰۴ ق: برگ سبز: چاپ استانبول، ۵۲ص (در اصول تعلیم زبان فارسی)
 ۷. ۱۳۰۵ ق: خط و خطاطان: چاپ استانبول، ۱۳۵ ص
 ۸. ۱۳۰۸ ق: دبستان فارسی، چاپ استانبول، ۹۶ ص
 ۹. ۱۳۰۹ ق: خلاصه رهنمای فارسی، چاپ استانبول، ۹۶ص
 ۱۰. ۱۳۱۰ ق: رهبر فارسی، چاپ استانبول، ۵۵ ص
- هم چنین وی «میزانثروپ» Mizanthrope اثر مولیر را به فارسی نقل و ترجمه و به « مردم گریز» موسوم کرد که در استانبول ابتدا در روزنامه ی اختر و سپس مستقلاً به چاپ رسید. (ر.ک، افشار، ۱۳۳۹: ۴۹۵)
- ترجمه «ژیل بلاس» Gil blus (نسخه کتابخانه استانبول) این ترجمه سلیس و شیرین را دکتر «محمد خان کرمانشاهی» به نام خود به طبع رسانیده است و مجتبی مینوی اولین بار به این نکته اشاره کرد. «ایرج افشار» در مقاله ای دیگر از به دست آوردن نسخه ای خطی از آثار چاپ نشد ه میرزا حبیب توسط مجتبی مینوی سخن می گوید و ترجمه ژیل بلاس را هم جزو همین آثار می آورد. آثار چاپ نشده او به این شرح است:
- تعداد ۲۹۱ حکایت و مکالمه که از «کتب افرنجیه و سایر ترجمه نقل شده است»
 - «تعریفات» که از کتابهای فرنگان جمع شده
 - ترجمه نامه رشید و طواط از عربی هم چنین وی به صورت مطایبه ، نامه ای به یکی از کتاب می نویسد و از او با زبان طنز قلم و دوات بسیار می خواهد.
 - اشعاری از قصیده و غزل و رباعی جد و هزل و مدح(از مداخل درباره ی اسد الله خان سفیر ایران در عثمانی، معین الملک، مولود ناصر الدین شاه).
 - «ترجمه پاره ای امثال از فرانسوی» همه منظوم و غالباً از قصه های لافونتن است.
 - مطالب نیشدار درباره «ترتیب اوقات تأهل» و «شرایط حسن»!
 - معانی و مسائل مشهور و بی عدیل، به طور مثال نقل می شود: رنگ طاووس، ماتم حسین، سنگ ابابیل، سخای حاتم و...
 - «اخلاق هر قوم» (بطور مثال نقل می شود): فصاحت و بلاغت عرب، لطافت و نازکی عجم و سخت سری قفقازی ...
 - «اتباع و مزاجه یا مرادفات»(بطور مثال نقل می شود): پک و پوز: لب و لنج، قر و فر، ریش و پشم، شاخ و شانه، رخت و پخت، غر و غریله، خرت و پرت و جز اینها.
 - «اوصاف متقدمه لازمه»
 - امثال و حکم و تعبیرات(ر.ک، افشار، ۱۳۴۲: ۸۰-۸۲)

۲-۴- رمان حاجی بابا اصفهانی

رمان حاجی بابا اصفهانی را می‌توان در ردیف رمان های پیکارسک Picaresque قرار داد که شخصیت اول این نوع رمان را پیکارو Picarou (به معنی رند و شیاد می‌خوانند). (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۱۹) و تا انتهای داستان همان دغل باز و حيله گر می‌مانند. این نوع رمان‌ها از مجموعه‌ای حوادث تشکیل شده که محور این ماجراها، شخص دغل باز رند و آسمان جل و ریاکاری است که پایبند اصول اخلاقی نیست و در طول داستان حوادث و ماجراهای بسیاری را از سر می‌گذراند. قالب ادبی پیکارسک، در قرن شانزدهم میلادی، برای اولین بار در اسپانیا رواج یافت و پیکارو در زبان اسپانیایی شخص شیاد را می‌نامند. در ادبیات فارسی، می‌توان قصه‌هایی هم چون سمک عیّار، را در ردی ف این نوع رمان آورد. (ر.ک. داد. ۱۳۸۳: ۲۵۳) همچنین در ادبیات معاصر ایران، داستان‌هایی همچون «رجل سیاسی»، «بيله ديگ بيله چغندر» از «جمال زاده» و «علویه خانم» از «هدایت» را می‌توان جزو رمان های پیکارسک نام برد. (ر.ک. همان: ۲۵۳)

عده‌ای از محققان معتقدند که این نوع رمان‌ها، طرحی نظیر مقامات عربی دارند و چون یک یا چند شخصیت در آن حضور دارد با گردش خود در اجتماع به نویسنده، فرصت انتقاد از اجتماع را می‌دهند. (ر.ک. جوادی، ۱۳۸۴: ۶۰) هم‌مقامه و هم‌پیکارسک، از سلسله حوادثی تشکیل می‌شوند که هر یک تا حد زیادی از دیگری مستقل است و تنها پیوند آن‌ها از راه حضور یک قهرمان واحد در هم‌ۀ آن حوادث است. هم‌چنین برخی از ساختارهای مقامه با هریک از داستان‌های کوتاه پیکارسک هم‌خوانی دارد. (برخورد راوی با قهرمان، گفتار قهرمان، جدایی راوی از قهرمان) با این حال هنوز خویشاوندی تاریخی میان این دو نوع ادبی ثابت نشده است. (ر.ک. بالایی، ۱۳۷۸: ۲۴۷)

پیکارو با شور بختی‌ها و زندگی در به‌در و بی‌سر و سامان خود این فرصت انتقاد را پیدا می‌کند و در عین حال مردم را می‌خنداند. (ر.ک. شکری، ۱۳۸۶: ۱۲۷) «سرگذشت حاجی بابا» رمانی است که در این قالب درآمده و قهرمان اصلی آن یعنی حاجی بابا با گردش در اجتماع به فسادهای موجود در جامع‌ۀ ایران اشاره می‌کند. این فساد تقریباً فراگیر و عمومی است و هرچند در طبقه‌بالای جامعه بیشتر مشهود است اما طبقات نازل جامعه از جمله سق‌آیان و قاطرچیان هم از این فساد مبرا نیستند. در واقع در چنین جامعه‌ای، اخلاق فراموش شده است و نیز موریه می‌خواهد اثرات یک حکومت ناصالح را نسبت به مردم نشان دهد. (ر.ک. جوادی، ۱۳۵۴، ۱۰۳۱)

اشخاص فراوانی که در این رمان حضور دارند، همه برگرفته از نمونه‌های واقعی در جامع‌ۀ ایران هستند که موریه در مدت اقامت خود در ایران یا با آن‌ها حشر و نشر داشته و یا آن‌ها را دیده است و با جزئی‌نگری و دقت، حرکات و رفتار و عادات و آداب و رسوم آن‌ها را یادداشت برداری کرده و به ذهن سپرده است. میرزا ابوالحسن خان ایلچی، میرزا حاجی بابا افشار، فتحعلی خان صبای کاشانی، فتحعلی شاه قاجار، محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی، میرزا احمد طبیب و ... افرادی هستند که در جامع‌ۀ ایران آن زمان مستقیم یا غیر مستقیم با موریه نویسنده کتاب ارتباط داشته‌اند و موریه نام بسیاری از آن‌ها را در دو جلد سفرنامه‌اش راجع به ایران آورده است. وی در این رمان با زبان طنز به نقل وقایعی با هدف انتقاد و عیب‌جویی از مردم ایران می‌پردازد و البته تخیل را هم چاشنی کار خود قرار می‌دهد.

انتقاد از سیاست و مذهب دو رکن عمده کتاب موریه را تشکیل می دهد. «حسن جوادی» موریه را معتقد به این می داند که وضع ایران از روزگاران باستان تغییر زیادی نکرده است و سیستم حکومتی همواره ظلم و ستمگری را بین تمام طبقات اشاعه می دهد. موریه با همه این بدبینی نسبت به ایرانیان، آن ها را ملتی باهوش می داند که در اثر نظام اجتماعی نادرست به فساد، دروغ و چاپلوسی گراییده اند و اگر تربیت شوند روح تعالی و ترقی را به دست خواهند آورد. (ر.ک. جوادی، ۱۳۸۴: ۲۹۰) البته باید به این نظر این را هم اضافه کرد که نویسنده معتقد است، بسیاری از ایرانیان و از جمله قهرمان اصلی کتاب ذاتاً گرایش به نادرستی دارند و تنها مسئول این نادرستی ها را نمی توان حکومتیان دانست؛ چنان چه همین حکومتیان هم از بین طبقات مردمی برخاسته اند. از جنبه سیاسی و اجتماعی نیز، این رمان انتقادی نسبت به جامعه عصر فتحعلی شاه است. هربار حاجی بابا بوقلمون وار، از رنگی به رنگی در می آید و از موقعیتی پست به موقعیتی برتر می گراید. در این مسخ و برگردان خواننده را به یاد یکی از زیبایی های مسخ و ستیز در قصه های شهرزاد می اندازد، ستیز دختر و عفريت و می توان گفت حاجی بابا یک مسخ تدریجی است از دلاک زاده به حاجی بابا و از حاجی بابا به جیمز موریه. (ر.ک. ناطق، ۱۳۸۹: ۱۱۵) این کتاب هم چنین تا اندازه زیادی شبیه به ژیل بلاس است با این تفاوت که قهرمان کتاب ژیل بلاس آدم ساده و درستکاری است.

موریه در جلد دوم رمان خود «حاجی بابا در لندن» می گوید: «این اثر اگرچه غضب آن ها را به جوش آورده است باز بی نتیجه نیست زیرا چون غضبناک شوند، مدتی فکر می کنند. اگر ایرانی را توصیف نمایی و غرورش را بستایی هرچه گویی بدش نمی آید. اما اگر بداند که کسی را سر مسخره کردن اوست، آتش غضبش مشتعل می گردد و هم چنان که گفتم خشم در دنبالش فکر کردنی دارد.» (موریه، ۱۳۲۱: ۵)

اما در مورد ساختار این رمان نیز همان طور که در مقدمه آن آمده است باید گفت، این رمان، که در بردارنده حکایات و روایات از ایرانیان و زندگانی آنان است، شباهت بسیاری به رمان ژیل بلاس دارد که نویسنده آن را آینه ای می داند، برای احوال حقیقی فرنگان. (ر.ک. موریه، ۱۳۷۹: مقدمه) هم چنین نویسنده به رمان های هزار و یکشب اشاره می کند که عادات و رسوم شرقیان را چنان که باید نوشته است. ظاهراً موریه با این قصه های هزار و یکشب آشنا بوده و در سال های نوجوانی خود نسخه ای از این اثر را از شوهر خاله اش ویلیام و والد گریو William Walde Grave هدیه می گیرد و می خواند. (ر.ک. جانستن، ۱۳۷۴: ۱۴۵)

حکایت «سر بریان» رو نویسی از قصه «خیاط و احذب و یهودی و مباشر نصرانی» در هزار و یک شب است. تنها عناوین و اسامی و محل رویدادها متفاوتند. هم چنین «سرگذشت درویش سفر» و دو نفر رفیق او اقتباسی است ناجوانمردانه از داستان «سه گدا» و یا «سه قلندر» هزار و یکشب (ر.ک. ناطق، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۲) نظر دیگر این که این رمان شباهت بسیاری به «آناستاتیست» یا «خاطرات یک یونانی» اثری از توماس هوپ دارد که قبل از رمان موریه و در اواخر قرن هجدهم و در سال ۱۸۱۹ منتشر شد و قهرمان آن در حقه و دغل بازی دست کمی از حاجی بابای موریه ندارد و حتی برخی از منتقدان در ابتدا آن را اثری از توماس هوپ دانسته اند. هرچند به گفته والتر اسکات تفاوت این دو اثر تفاوت بین تراژدی و کمدی است. (ر.ک. جوادی، ۱۳۵۴: ۱۰۲۹-۱۰۲۸)